

امپراطوری کوش

تمدن شکوفای کشور نوبی در دوران باستان

نوشته ژان لوکلان

نزدیک پای این امپراطوری را با آسیا که در آن فشار آشوریها روزبروز بیشتر احساس میشد کشانید. شاباکا در سودان و مصر ساختمان بناهای یادگاری را آغاز کرد و این کار در زمان فرمانروایی دوپس «بی» - نخست «شاباکا» (۶۹۸-۶۹۰ پیش از میلاد) و سپس سلطان مقتدر «تاهارگا» (۶۹۰-۶۶۴ پیش از میلاد) که جانشین وی بودند گسترش بیشتری یافت. نام «تاهارگا» را در سراسر دره نیل در بسیاری از اسناد میتوان باز یافت. او در پای کوه مقدس برکل - کوه صاف سنگی مشرف بر حوزه بزرگ حاصلخیز ناپاتا-عبادتگاههایی ساخت.

تاهارگا جنگ با آشوریه را پذیرفت. نام وی در تورات - که در آن وحشت از جنگجویان سیاهپوست کشور کوش منعکس گردیده - طنین‌انداز است. «آشارادون» در کوشش خود برای تصرف مصر با شکست مواجه شد ولی جانشین وی آشور بانپال در رأس یک سپاه بسیار نیرومند به سال ۶۶۳ تبس را تسخیر کرد و آنرا مورد غارت قرار داد.

پس از تاهارگا برادر زاده اش «نانوتامون» جانشین وی شد. پیروزی آشوریه با سلطنت پادشاهان کوش در مصر پایان داد و موجب عقب‌نشینی آنها بسوی جنوب گشت.

بیشک بسیار مناسب خواهد بود که درباره ۵۰ سالی که در طی آن مصر و سودان متحد گشته یک قدرت بزرگ آفریقایی را تشکیل می‌دادند درنگ بیشتری بنماییم. قلمرو سلطنتی کوش در آن زمان همچون یک حکومت پادشاهی دوگانه به نظر میرسد. نماد آن دو مار بود که برپیشانی فرعون می‌ریزیدند تا از او حمایت کنند. پادشاهان بیست و پنجمین خاندان در رویه و رفتار و لباس پوشیدن از فراغه مصر کاملاً تقلید میکردند و ادعای جانشینی و حتی فرزندی آنها را داشتند. سبک ساختمان مقابر آنها شباهت تام بسبک ساختمان مقابر فراعنه را دارد. کتیبه‌های آنها شبیه کتیبه‌های مصری و یادآور سنت کلاسیک محض است. مجسمه‌ها و چهره‌های برجسته آنها با خصوصیات ویژه یعنی با گونه‌های برجسته، آرواره‌های قوی و لبان کلفت ساخته و با تزیینات خاص سودان آراسته شده‌اند. برسر آنها نوعی عرقچین تنگ کاملاً چسبیده بسر قرار دارد که ضمیمه‌یی در آن شقیقه را پوشانده است. نوار کلفتی دور عرقچین گره خورده و آنرا محکم نگه‌داشته و دو نوار پهن از آن در پشت شانه‌ها آویزان است. حلقه‌های کوش و آویز گردن بندهای آنها با سر قوچ، حیوان مقدس آمون، آراسته شده‌اند.

متخصص ساختن تاریخ قبایل کوش پس

دونگولا و حوزه‌های مجاور نیل میانه که اکنون در پشت بیابانهای خشک و موانع صعب‌العبور دومین و چهارمین آبشار نیل منطقه بسیار مجزا و دور افتاده بی‌ارتباط شکل میدهند در زمانهای گذشته مرکز سازمانهای سیاسی غنی و نیرومندی بوده‌اند. در نیمه اول دومین هزاره پیش از میلاد مسیح فرهنگ موسوم به «گرما» بایک قلمرو سلطنتی نیرومند و بسا رونقی که در متون مصری امپراطوری «کوش» نامیده شده است مطابقت دارد. اکتشافات بسیار ناقص باستانشناسی در این منطقه که اکنون نیز چندان شناخته نشده است بما امکان نمیدهند. تا بتوانیم تاریخ این منطقه را پس از مرحله درخشان ولی نسبتاً کوتاه تسلط مصر بر امپراطوری جدید (۱۵۸۰-۱۰۸۵ پیش از میلاد) مشخص کنیم. چنین بنظر میرسد که برای مدت سه قرن پیوند میان آفریقا و دنیای مدیترانه قطع گردیده و یک سکوت مرگباری برسرزمین نوبی حکمفرما شده است.

ولی از پایان قرن نهم پیش از میلاد در مورد حوادثی که بوقوع پیوسته مجدداً آگاهی بدست ما می‌آید که ناشی از حفاریهایی است که ج. ا. ریستر در گورستان «کورو» نزدیکیهای «ناپاتا» پایین دست چهارمین آبشار انجام داده و موجب شناسایی مقابر (نخست بصورت تبه و سپس بشکل نوعی از مصطبه‌های بنایی شده) یک سلسله از شاهزادگان گردیده است. این شاهزادگان اجداد دودمانی را تشکیل میدهند که اتحاد مصر و سودان را عملی ساخته‌اند و در تاریخ عمومی بنام بیست و پنجمین خاندان مصر شناخته میشوند.

با روی کار آمدن پادشاه «بی» وارد جریان بزرگ تاریخی میشویم. کتیبه‌یی که بدستور وی در «ناپاتا» کنده کاری شده و اکنون در موزه قاهره نگهداری میشود یکی از طولانی‌ترین و مفصل‌ترین کتیبه‌های مصر در دوران باستان بشمار می‌آید.

در حدود ۷۱۳ سال پیش از میلاد «شاباکا» برادر «بی» به تخت سلطنت جلوس نمود و تمامی دره نیل را تا دلتا باطاعت امپراطوری کوش درآورد. سیاست بزرگ‌خاور

ژان لوکلان Jean Loclant اهل فرانسه. استاد دانشگاه سوربن و مدیر مطالعات مدرسه عملی مطالعات عالی پاریس است. تخصص او در مصر-شناسی است و بخاطر مطالعاتش درباره نوبی و اتیوپی شهرت دارد. مقالات و آثار فراوانی برشته تحریر درآورده که مهمترین آنها عبارتند از: «در ردیای فراعنه» و مطالعاتی درباره بناهای تاریخی بیست و پنجمین خاندان فراعنه در تب.



پس از غارت شهر «ناپاتا» توسط مصریه در حدود ۹۵۰ سال پیش از میلاد، مروه پایتخت امپراطوری آفریقایی کوش شد. این مجسمه با بلندی ۴/۴۲ متر مجسمه آسیانا (۵۴۳-۵۶۸ پیش از میلاد) نخستین پادشاهی است که در مروه سلطنت رسیده است. شهر مروه به علت شرایط مساعد اقلیمی و زمین‌شناسی بصورت یک مرکز کشاورزی، بازرگانی و معدنی بسیار با رونق درآمدی بود.

از حمله آشوریها بمصر و عقب‌نشینی آنها از این سرزمین کار بسیار دشواری است. پس از آن قلمرو سلطنتی کوشی - نامی که خود این دولت بر اساس یک نام بومی قدیمی آن منطقه بخود داده است - مدت هزار سال بحیات خود ادامه داد و بیش از پیش جنبه آفریقایی بخود گرفت. پایتخت آن نخست در «ناپاتا» در پای کوه مقدس «جبل برکل» باقی ماند و سپس احتمالاً در قرن ششم پیش از میلاد، به «مروئه» که در منطقه جنوبی‌تر و در فاصله نه چندان دور از آبشار ششم قرار دارد منتقل گشت.

انتقال پایتخت را میتوان ناشی از علل اقلیمی و اقتصادی دانست. جلگه‌های پهن بی‌درخت به مروئه وسعتی می‌بخشیدند که از وسعت حوزه‌های مجاور ناپاتا که در قلب صحرا بهم فشرده شده بودند بسیار بیشتر بود. در این منطقه که تابستانهای پرباران دارد علاوه بر دامپروری کشاورزی نیز بسیار امکان‌پذیر بود. در مجاورت شهرهای بزرگ آبگیرهای وسیعی برای آبیاری کشتزارها احداث شده بود. تجارت در مروئه بعکس قرار گرفتن این شهر در نقطه تقاطع راه‌های کاروانی میان دریای سرخ، نیل علیا و چاد احتمالاً از رونق‌برخوردار بوده است.

با روی کار آمدن ملکه «شانا کداخته» (۱۷۵-۱۶۵ پیش از میلاد) ظاهراً اساس قدرت یک سیستم مادرشاهی از نوع محلی در این امپراطوری تحکیم بیشتری یافته است. روی ساختمان‌های در «ناگا» که بنام وی احداث شده کتیبه‌هایی بخط هیروگلیفی مروئه حک گردیده که از قدیمی‌ترین کتیبه‌های شناخته شده بشمار می‌آیند. این خطوط هیروگلیفی از خطوط هیروگلیفی مصر اقتباس شده‌اند. ولی ارزش‌های متفاوتی دارند. این خطوط در جهت‌های مختلف خطوط مصری خوانده می‌شوند و این شاید نشان‌دهنده یک نیت عمدی است، بدین معنی که خواسته‌اند میان این دو خط تفاوتی وجود داشته باشد. با این خطوط هیروگلیفی، نوعی خط تند که غالباً بطور موجز

نوشته میشود مطابقت دارد. بخشی از علائم آن ظاهراً از خط عامیانه‌ی که در مصر آنزمان برای نوشتن اسناد اداری وخصوصی بکار میرفت گرفته شده‌اند. بهرحال، زبان مروئه که هنوز طبیعت آن برای ما شناخته نیست و نیز شیوه نوشتن آن، با زبان مصری کاملاً فرق دارد.

پس از آن، دولتمند دیگری به نامهای «آمانی رئاس» و «آمانیشاختو» پایگاه رفیعی نایل آمده‌اند. شوهران آندو گمنام باقی مانده‌اند و حتی از نام شوهر ملکه دوم اطلاعی در دست نیست. چند سالی نیز تحت سلطنت بوسیله «اکریداد» فرزند ملکه «آمانی رئاس» و سلطان «تریت گاس» که قبلاً شاهزاده بوده اشغال شده است. با اینهمه آنچه اهمیت دارد اینست که دانسته شود کدامیک از این دو ملکه یا «کانداس» (رونوشتی از کلمه کد که «عنوان ملکه در زبان مروئه» در روایت مؤلفان کلاسیک) نخست سلطنت رسیده‌اند.

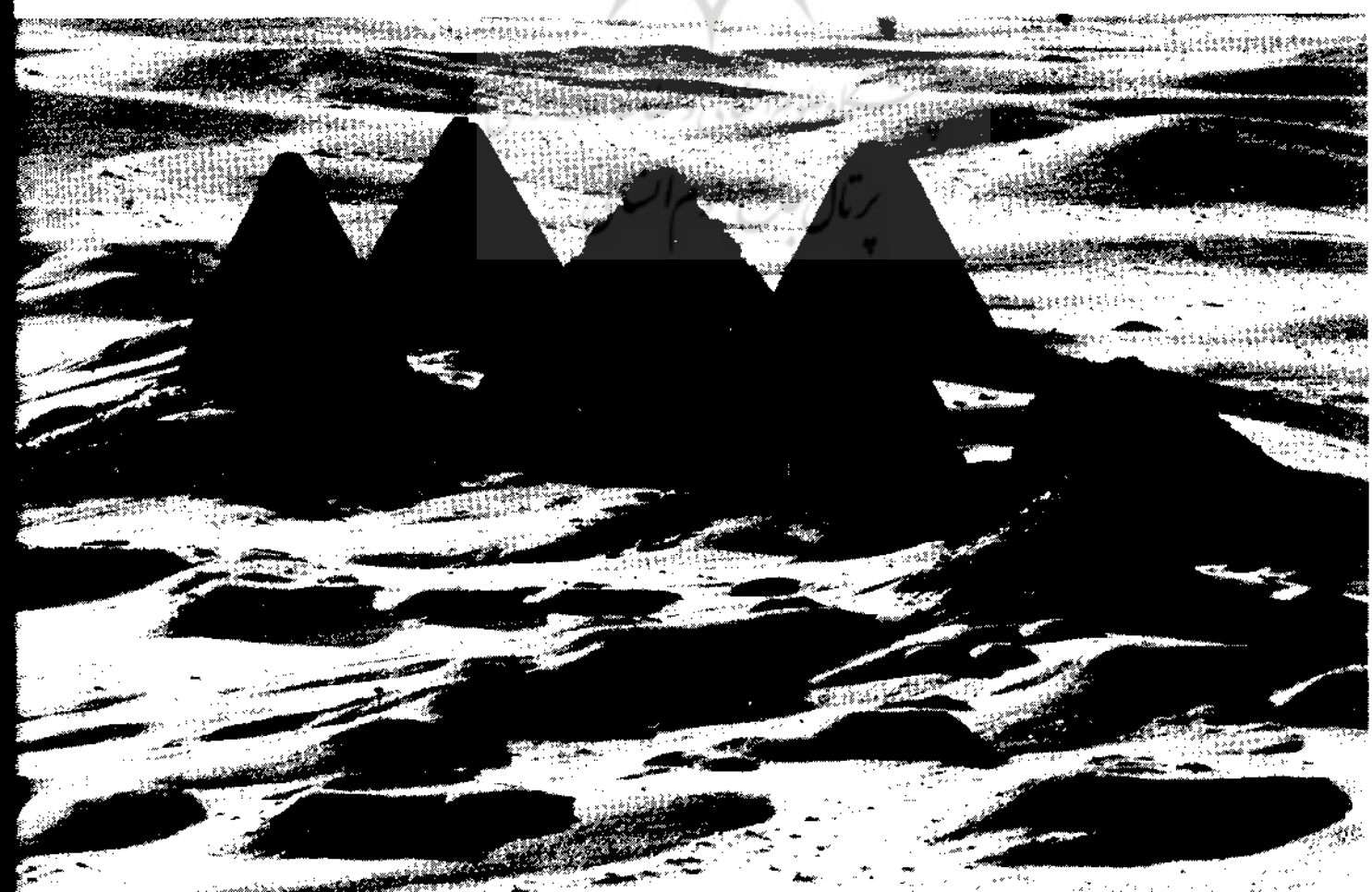
یکی از این دو ملکه طی یکی از مشهورترین و کم‌نظیرترین رویدادهای که در آن مروئه روی صحنه تاریخ جهان‌نمایان گشته با او گوشت سروکار داشته است: توضیح اینکه بدنیال چپاول آسوان توسط سپاهیان مروئه (بی‌شک در همان زمان بود که مجسمه اوگوست که سر آن زیر آستانه یکی از کاخ‌های مروئه کشف گردیده بغنیمت گرفته شد) «پترونیوس» فرمانروای رومی مصر بیک لشکر کشی تلافی-جویانه دست زد و در ۲۳ سال پیش از میلاد شهر «ناپاتا» را بشرف خود درآورد.

رومیها برای دفع حملات جنگجویان مروئه در «پریسیس» (فصر ایبریم) یک پادگان دائمی مستقر ساختند. سرانجام ۲۱ یا ۲۵ سال پیش از میلاد بین این دو کشور در «ساموس» آقامتگاه اوگوست قرارداد صلح بسته شد که طبق آن پادگان رومی شهر پریسیس را تخلیه کرد، دولت مروئه از پرداخت جزیه معاف گردید و «هیراسیکامینوس» (محرقه) بعنوان مرز میان دو امپراطوری تعیین گشت. ولی هرگز روشن

نیست که از میان دولتمند «آمانی رئاس» و «آمانیشاختو» آن زن یک چشم و مرد گونه، زن نیرومند و قهرمانی که طبق نوشته استرابون، پلین و دیون کاسیوس با اشغالگران رومی بمذاکره پرداخته کدامیک بوده است.

این دوره نزدیک با آغاز دوران مسیحیت یکی از مهم‌ترین مراحل تمدن مروئه بشمار می‌آید بناهای فراوانی برصحت این مدعا گواهی می‌دهند. اسامی «اکریداد» و ملکه «آمانیشاختو» بردیوار عبادتگاه «تی» در «کاوا» حک شده‌اند. ساختمان کاخی که اخیراً در اودن ناگام در مجاورت یک رودخانه کشف گردیده بملکه مزبور نسبت داده میشود. مقبره زیبای او را هنوز هم میتوان در گورستان شمالی مروئه مشاهده کرد. این مقبره با کلیسای کوچک وستون بزرگ چهار گوش سنتی‌اش یکی از باشکوه‌ترین اهرام پایتخت محسوب میشود. فریسی ماجراجوی ایتالیایی بسال ۱۸۳۴ در این مقبره جواهراتی با تزیینات فراوان کشف کرد که اکنون در موزه‌های دوشسر مونیخ و برلن نگهداری میشوند.

«نااتا کامانی» داماد و جانشین «آمانیشاختو» و همسرش ملکه «آمانی تره» (۱۲ سال قبل از میلاد تا ۱۲ سال پس از میلاد) نیز از بنیان بزرگ بناهای تاریخی هستند. اسامی آنها که بی‌شک روی اینگونه بناها بطور فراوان حک شده از اوج قدرت یک خاندان سلطنتی سخن می‌گویند. این زوج تاجدار همچنین بمرمت‌شهر «ناپاتا» - که در اثر لشکر کشی «پترونیوس» ویران گشته بود - و بخصوص معبد آمون پرداخته‌اند و توجه خود را خاصه به «ناگا» مرکز بزرگ مناطق وسیع علفزار در جنوب مروئه معطوف داشته‌اند. معروفترین بنا «معبد شیر» است که نقوش برجسته آن از نمونه‌های واقعی هنر مروئه شمرده میشوند. مقابر شاه و ملکه و شاهزادگان در مروئه شناخته شده‌اند. در تصاویر، شاه و ملکه همراه یکی از سه شاهزاده بنامهای «آریکانخارور» «آریکاخاتانی» و «شور کارور» مشاهده میشوند. این سه شاهزاده احتمالاً بعنوان نایب‌السلطنه در



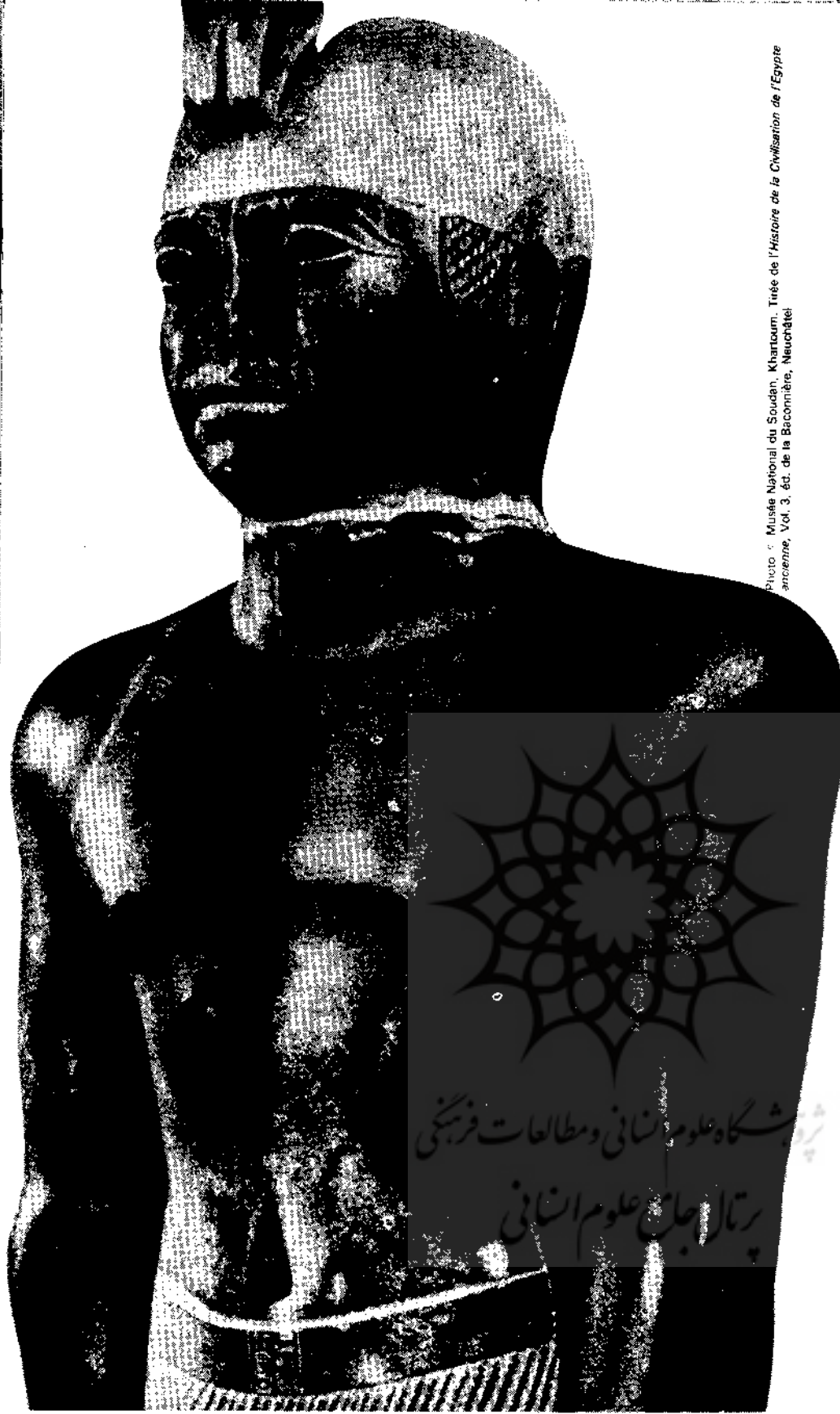


Photo: Musée National du Soudan, Khartoum; Tirée de l'histoire de la Civilisation de l'Égypte ancienne, Vol. 3, éd. de la Baconnière, Neuchâtel

شهرستانهایی که در معابد عمده شان تصاویر آنها بچشم میخورند اقامت داشته اند. دربار. حوادث واپسین قرون امپراطوری مروئه اطلاعات بسیار اندکی در دست است. احتمالاً در این دوره کنترل راههای کاروانی میان دره نیل، دریای سرخ و غلظت های وسیع نیل و چاد که سنگ بنای اقتصادی این امپراطوری را تشکیل میدهند بدشواری انجام میگرفته است. مقابر شاهان بتدریج کوچک گشته و شکوه خود را از دست داده اند. قلمت اشیاء مصری یا مدیترانه ای نشان دهنده قطع تأثیرات خارجی در این دوره است که علت و معلوم انحطاط شمرده میشوند.

کشور مروئه که تا آن زمان بر تاخت و تاز قبایل بیابانگرد غالب آمده بود از آن پس برای همسایگان خود - آکسومیثیا در جنوب قبایل بلعی در شرق و قبایل نوبا در غرب - بصورت يك طعمه و سوسه انگیز درآمد. بی شک پجاست که سقوط امپراطوری مروئه بقبایل نوبا که اراتوستن دویست سال پیش از میلاد برای نخستین بار بداتها اشاره کرده است نسبت داده شود.

جلال و شوکت کوش قطعاً در برخی از افسانه های آفریقای مرکزی و غربی منعکس شده است. در میان قبایل «سائو» خاطره رواج دانش توسط انسانهایی از سوی شرق همیشه باقی است. آشنایی با فنون، اندک اندک گسترش پیدا کرده است. نزد برخی از قبایل قالب ریزی برنز همانگونه که در قلمرو سلطنتی کوش متداول بود با شیوه «موم مفقوده» انجام میگردد ولی دستاورد عمده رواج صنعت آهن در قاره آفریقا است که آنرا بخصوص باید مدیون امپراطوری مروئه دانست.

اهمیت تأثیر مروئه هر اندازه هم که زیاد باشد نقش امپراطوری کوش را نمیتوان ناچیز شمرده طی مدت هزار سال در ناپاتا و سپس در مروئه تمدن بسیار اصیلی شکوفا گشت که زیر ظاهری آراسته بسیک مصری - که کم و بیش ثابت باقی ماند - جنبه اصیل آفریقای خود را همیشه حفظ کرد.

ژ لوکلان



Photo Georg Gerster © Rapho, Paris

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایگاه اطلاع رسانی

این پیکره سرشار از قدرت که در سنگ خاراى سیاه کنده کاری شده نشان دهنده «تاهارگا» (۶۶۴-۶۶۵ پیش از میلاد) سلطان مقتدر نوبی از بیست و پنجمین خاندان معروف بنخاندان اتیوپی است. این مجسمه با بلندی تقریباً چهارمتر نزدیک معبد بزرگ «جبل برکل» قرار داشت. بر سر پادشاه وزیر ماردوگانه مصری که از نشانه های پادشاهی است عرفچین تنگی از نوع عرفچین های اتیوپی دیده میشود که درست قالب سر سگرد اوست. ابتدا عرفچین را با پرهای سنگی بلندی که از علائم مشخصه «اونوریس» خدای جنگجویست میآراستند.

این گروه از اهرام با بلندی ۱۶ متر که طی قرون اول و دوم پیش از میلاد ساخته شده اند بگورستان سلطنتی «جبل برکل» واقع در اطراف «ناپاتا» تعلق دارند. اگر چه هنگام بنای این مقابر، پایتخت امپراطوری کوش به مروئه منتقل گشت ولی تعداد بسیاری از پادشاهان همچنان در «ناپاتا» بخاک سپرده شدند.